



بنام خدا

## مدیریت بحران جامعه محور

توانمند سازی جوامع برای مدیریت بهتر خطرات ناشی از بلایا

بلایا و جوامع

حوادث و بلایای طبیعی در دنیا در حال افزایش است. در طول دو دهه اخیر خسارات مالی و اقتصادی و همچنین تعداد قربانیان بلایای طبیعی خیلی بیشتر از رشد اقتصادی و رشد جمعیت جهان افزایش پیدا کرده است. خسارات اقتصادی اجتماعی و فیزیکی بلایای طبیعی بویژه برای کشورهای در حال توسعه بیشتر و شدید تر می باشد چون آثار دراز مدت بر پروسه توسعه آنها دارند. اثرات بلایا رابطه بسیار قوی با شرایط اقتصادی اجتماعی سنتها فرهنگ و آب و هوای جوامع دارد. برای تقلیل خسارات بلایا تلاشهای زیادی توسط دولتها، جامعه بین الملل و همچنین کشورهای مساعدت کننده (DONOR) بعمل میاید. علیرغم تلاش مجدانه بخشهای یاد شده در عمل مشاهده شده است که اغلب برنامه های مدیریت بحران پس از اتمام پروژها در سطح جوامع پایدار (sustainable) نبوده اند و همه میدانیم که بدون تداوم، تلاشهای بعمل آمده برای مدیریت بحران حفظ نخواهند شد. عامل اساسی در مدیریت پایدار بحران، شرکت جوامع در این فعالیتهاست و اصلی ترین فاکتورها و عوامل دخالت جوامع عبارتند از شرکت (Participation) و مشارکت (Partnership)، توانمند سازی (Empowerment) و احساس مالکیت (Ownership) توسط افراد محلی. (بعنوان مثال: احساس مالکیت مردم سویس نسبت به قوانین آن کشور و و دقت در رعایت آنها باین دلیل است که در مراحل شکل گیری آنها سهیم بوده اند.)

تاکید تلاشهای مدیریت بحران باید بر جوامع و مردمی که در آنها زندگی می کنند متمرکز شود. تا زمانیکه مدیریت بحران در کشورها در سطح جامعه و فرد پایدار نگردد خیلی مشکل خواهد بود که میزان تلفات و خسارات در بلایای احتمالی آینده را تقلیل داد. باید فرصتی ایجاد شود که مردم در جوامع مختلف بتوانند از ابتدای برنامه ریزی مربوط به فعالیتهای مدیریت بحران دخیل و سهیم باشند. از طریق این فعالیتهای جامعه محور مردم باید بتوانند بعنوان ذینفعان اصلی همراه با مقامات دولتی و گروههای متخصص در این فعالیت شرکت داشته باشند. در حالیکه مردم باید احساس مالکیت نسبت به هر گونه مشکل و چالش و عواقب هر گونه ابتکار مربوط به Mitigation یا Preparedness را داشته باشند در عین حال ضروری است که آنها امکان مشارکت و ارائه مشورت در سیاست گذاری و تعیین راهبرد مربوط به مدیریت بحران هم داشته باشند. این روند سبب تقویت حس مالکیت افراد گردیده و موجب دخالت مستمر و تعهد دراز مدت آنها نسبت به این فعالیتهای خواهد گردید. شرکت و دخالت جوامع، هم در Mitigation قبل از بلایای طبیعی و همچنین در زمان پاسخگوئی به بلیه و نیز در دوران باز توانی خیلی اهمیت دارد.

توانمند سازی جامعه

در حالیکه بلایا در یک منطقه وسیع یا کشور اتفاق می افتد ولی روشن است که آثار آن در سطح جوامع کوچک احساس میشود هر چند که یک یا چند جامعه و محله را دفعتاً مورد اصابت قرار دهد. میتوان گفت که این جوامع خط مقدم بلایای طبیعی هستند. بنا بر این جوامع بایستی خودشان حتی المقدور ظرفیت پاسخگوئی به تهدیدات را



باید اشاره شود که برخی برنامه‌های مربوط به توانمندسازی جوامع در ارتباط با بلایا، اهداف خود را بدست آورده‌اند. ولی اغلب آنها کوتاه مدت هستند و موضوع تداوم پایداری در این تلاشها بندرت مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌ها NGO ها یا سازمانهای بین المللی برنامه‌های مختلفی را قبل و بعد از وقوع بلایا اجرا مینمایند و اغلب آنها در طول اجرای پروژه موفق هستند اما بتدریج و با گذشت زمان اهمیت خود را از دست میدهند. دلایل مختلفی برای این پدیده وجود دارد که از جمله فقدان شرکت موثر جوامع و عدم ظرفیت سازی در سطح جوامع محلی برای پیگیری برنامه‌ها را میتوان نام برد.

این اصل کاملاً قبول شده که دولت‌ها مسئولیت اصلی را برای مدیریت بحران و همچنین منظور داشتن نقشهای بازیگران مختلف را بعهده دارند. در گذشته برای مدیریت عواقب حاصله از بلایا از روش "دستور و کنترل از بالا" استفاده می‌شد. در این روش تصمیمات از مقامات بالا بر اساس دید و نظر آنها در مورد "نیازها" گرفته شده و جوامع صرفاً بعنوان "قربانیان بلایا" و دریافت کنندگان کمک تلقی میشوند. در عمل ثابت شده است که این روش کارایی لازم را ندارد.

این روش به نیازهای حیاتی انسان پاسخ نمیدهد. علاوه بر این نیاز به منابع غیر ضروری خارجی را افزایش میدهد و برغم اقدامات مدیریتی خیلی خوب بکار گرفته شده نارضایتی عمومی را بدنبال دارد.

این امر بدین دلیل رخ میدهد که جامعه بعنوان ذینفع اصلی و متأثر شونده اصلی و مستقیم از آثار بلایا فرصت دخالت و شرکت در روند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات را پیدا نمیکند. از سوی دیگر اگر جوامع بحال خود واگذاشته شوند با توجه به اینکه منابع اندکی برای کنار آمدن با بلایا در اختیار دارند نمیتوانند به ظرفیت سازی بپردازند. در اغلب کشورها در حال توسعه و کمتر توسعه یافته کسانی که در اثر حوادث و بلایا بیشترین رنج و عذاب را میکشند فقرا هستند که معمولاً قبل از وقوع بلایه منابع اندکی برای زندگانی و بقا خود در اختیار دارند و زیر ساختهای کافی و دسترسی به خدمات اجتماعی ندارند.

(مثال: زلزله لرستان مشکلاتی که مردم از قبل از زلزله داشتند را بیشتر نمایان کرد)

لازمه توانمند سازی جوامع برای مدیریت ریسک اینست که آنها ارزیابی ریسک برنامه ریزی برای mitigation ، ظرفیت سازی شرکت در اجرا و توسعه سیستم کنترل برای حفظ منافع خودشان سهیم باشند.

#### مدیریت بحران جامعه محور CBDM

قبلاً به سیستم "فرمان و کنترل از بالا" و مشکلات و محدودیت های آن سیستم اشاره شد.

باید در نظر داشت محدودیتهای آن سیستم مدیریت بحران جامعه محور یا CBDM برای مقابله با چالشها مشکلات سیستم پائین به بالا در عین حال در هماهنگی با رهیافت بالا به پائین را دنبال میکند. جوامع محلی باید حمایت شوند تا بتوانند شرایط مخاطره آمیز آسیب پذیرها و امکاناتشان را انطور که خودشان تشخیص میدهند تهیه کنند تا سیستم بتواند موثر و کارا باشد.

بهنگام وقوع بلایا مردم جوامع (چه بزرگ چه کوچک) چون مستقیماً با بلایه مواجه می‌شوند بنا بر این اصلی ترین خسارت بیننده هستند. آنها در خط مقدم اولین های هستند که در مقابله حوادث مخاطره آمیز آسیب پذیرند. از سوی دیگر اگر آنها بتوانند آثار بلایا را در جوامع خود تقلیل دهند بیشترین برد را خواهند داشت.

همین معنی سبب گردیده که ایده CBDM تقویت شود. از طریق CBDM ظرفیت افراد برای پاسخگویی به موارد اضطرار از طریق دسترسی و کنترل بیشتر بر منابع و خدمات اساسی اجتماعی افزایش می‌یابد. مسلماً این رهیافت مزایای زیادی دارد. امید اینست که سیستمهای CBDM تا جایی تقویت شوند که بتوانند برنامه‌های توسعه ای شامل Preparedness و Mitigation را هم اجرا نمایند.



رهیافت CBDM فرصتهائی برای جوامع محلی ایجاد میکند تا آنها بتوانند وضعیت خود را بر اساس تجارب اولیه شان تقویت کرده و بالا ببرند. بر اساس این رهیافت جامعه محلی نه تنها بخشی از بوجود اورندگان برنامه ها و تصمیم گیرندگان تبدیل میشوند بلکه در اجرای برنامه ها نیز نقش اساسی دارند. باید توجه داشت در سیستم CBDM در حالیکه نقش بزرگتری در تصمیم سازیها و اجرا به جوامع محلی داده شود در عین حال اهمیت ارزیابی و برنامه ریزی علمی و هدفمند فراموش نمی شود. در سیستم CBDM تمام ذینفعان باید در پروسه دخیل باشند با این هدف نهائی که در جوامع محلی ظرفیت سازی شده و منابع لازم به جامعه منتقل شود تا بتواند بیشترین مسئولیت را در تقلیل خطرات بلایا بعهده بگیرند.

در سیستم CBDM نقش سازنده زنان نیز در تمام مراحل مدیریت بحران بخوبی لحاظ میشود. (جنسیت در بحران از موضوعات بسیار مهم برای اوچا میباشد و بخش ویژه ای در اوچا نیویورک مسئولیت پیگیری موضوع را بعهده دارد.)

#### بطور خلاصه

اینروزها صحبت‌های زیادی از توسعه پایدار می شود. توسعه پایدار و کاهش خطرات ناشی از بلایا هر کدام پیش نیاز برای دیگری است. بلایای طبیعی پیشرفت و دست اوردهای توسعه پایدار را بشدت بخطر می اندازد در غین حال ممکن است زیر ساختهائی که ما در حال ساختن آنها هستیم همین ها منشا خطر در بلایای آینده باشند. این امر بویژه در موضوع زلزله صدق میکند که اغلب قربانیان بخاطر فرو ریختن خانه هایشان جان خود را از دست میدهند. از هر نقطه نظر که نگاه کنیم مدیریت بحران برای همه کشورها از جمله کشور ما که حادثه خیز است اهمیت اساسی دارد و باید بصورت الا طرف به ان نگرسته شود در مدیریت بحران جامعه محور یا CBDM جوامعی که در خطر حادثه خیز هستند در تمام مراحل پیشگیری (Prevention) کاهش خطر (Mitigation) آمادگی (Preparedness)، بازتوانی (Recovery) و پاسخگویی (Response) شرکت میکنند. (PMPPR).

برای انکه بتوانیم جوامع مقاوم در برابر بلایا داشته باشیم باید ابتدا این جوامع توانمند شود تا اعضای ان جوامع بتوانند با اثار منفی مخاطرات طبیعی (Natural Hazards) کنار بیایند.

این روش موثر ترین روشی است برای دست یابی به تداوم (Sustainability) برای مقابله با بلایا، اوچا و سازمان ملل بدنبال این هستند که با پیا ده کردن برنامه های مختلف جامعه محور موضوع جلوگیری از بلایا را بعنوان یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده توسعه پایدار در دنیا معرفی نمایند. از جمله فعالیتهای UN در این رابطه میتوان بهبود ایمنی ساختمانهای عمومی اصلی مورد استفاده جوامع مانند مدارس بیمارستانها انتشارات اطلاعات مربوط به بهترین عملکرد هادر ارتباط با مدیریت ریسک بلایا در سطح جوامع و همچنین فرموله کردن برنامه های توسعه پایدار با عنایت به ابتکارات مدیریت خطرات بلایا را نام برد.